

The Relationship between Family Function and Marital Conflict in Couples who had Decided to get Divorced

رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق

Babollah Bakhshpour. Ph.D.

University of Payam Noor Counseling Department

Masoud Asadi. Ph.D Student

University of Tarbiat Moallem

Ahmad Reza Kiani. Ph.D Student

University of Isfahan

Asghar shiralipour. M.A.

University of Tarbiat Moallem

Hossein Ahmaddoost. M.A.

University of Tarbiat Moallem

باب‌الله بخشی‌پور*

دانشگاه پیام‌نور گروه علمی مشاوره

مسعود اسدی

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران

احمد رضا کیانی

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه اصفهان

اصغر شیرعلی‌پور

کارشناس ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران

حسین احمد دوست

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تربیت معلم تهران

Abstract

This study examined the relationship between family function and marital conflict in couples who decided to get divorced. The statistical community of this study included all couples who came to counseling center in Sari (the center of Mazandaran Province). The sample group included 100 couples that have been chosen via disposal sampling method, and the study Assessment instruments were Marital Conflict Questionnaire (MCQ), and Epstein and et al., Family Assessment Device (FAD). Data was analyzed by Pearson correlation coefficient and multivariable analyses of canonical correlation. The result has shown that among predictive variables, total functioning, problem solving, roles, emotional responsiveness and emotional involvement had significant relations with predicted variables. Moreover, the results have shown that the total functioning of predictive variables and the increased emotional reactions of predicted variables had the most effect on creating the first canonical correlation.

Key words: family function, marital conflict, divorce.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش همه زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان ساری در سال ۱۳۸۸ بودند. گروه نمونه شامل ۱۰۰ زوج بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های تعارضات زناشویی ثنایی (۱۳۸۷) و عملکرد خانواده اپستاین و همکاران (۱۹۸۳) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل چندمتغیری همبستگی بنیادی استفاده شد. نتایج نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین، عملکرد کلی، حل مشکل، نقش‌ها، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی با متغیرهای ملاک رابطه معناداری دارند ($P \leq 0/05$). علاوه بر این نتایج انجام شده با نرم‌افزار SAS نشان داد که در ایجاد اولین همبستگی بنیادی عملکرد کلی از متغیرهای پیش‌بین و افزایش واکنش‌های هیجانی از متغیرهای ملاک بیشترین نقش را دارند.

واژه‌های کلیدی: عملکرد خانواده، تعارضات زناشویی، طلاق

* نویسنده مسئول: مازندران، ساری، خیابان ۱۵ خرداد، دانشگاه پیام‌نور مرکز ساری، گروه علمی روان‌شناسی و مشاوره

پست الکترونیک: Email: Ba_bakhshpour @ yahoo.com

وصول ۸۹/۹/۱۱ پذیرش ۹۰/۱۲/۲۷

مقدمه

چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال داشته است. درمانگران سیستمی^{۱۵} تعارض را ناشی از هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت در بین زوجها می‌دانند (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸). رایس^{۱۶} (۱۹۹۶) دو نوع تعارض را در روابط زناشویی مطرح می‌سازد: تعارض سازنده و تعارض مخرب. در تعارض سازنده تمرکز بر حل مسأله است و در آن نزدیکی، احترام مثبت، اعتماد به یکدیگر وجود دارد و اندکی هیجان منفی و پاسخ کلامی بین زوجها وجود دارد. در تعارض مخرب زوجها همدیگر را به جای مشکل مورد حمله قرار می‌دهند. در این تعارض از طریق سرزنش و انتقاد، هر یک سعی دارند دیگری را تحت نفوذ خود در آورد و اظهارنظرهای بسیار منفی علیه یکدیگر به کار ببرند که در این حالت ارتباط درستی بین آنها برقرار نمی‌شود.

پژوهش‌ها در زمینه تأثیرات مخرب تعارضات زناشویی نشان می‌دهند که تعارضات زناشویی تأثیرات زیان‌آوری بر سلامت جسم، روان و خانواده دارد (فینچام و بیچ^{۱۷}، ۱۹۹۹؛ فینچام، ۲۰۰۳). همچنین تعارضات زناشویی با پیامدهای مهم در خانواده همانند فرزندپروری ناکارآمد، سازگاری ضعیف فرزندان، افزایش احتمال تعارضات والد - فرزندی مرتبط است (گریش^{۱۸} و فینچام، ۲۰۰۱). طلاق، شایع‌ترین تأثیر مخرب تعارض است و آمار بالای طلاق در کشورهای غربی گواه آن است، به طوری که شیوع آن به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد (ویکس و تریث^{۱۹}، ۲۰۰۱؛ کریچلر و رادجر، هزل و میر^{۲۰}، ۲۰۰۱؛ دای^{۲۱}، ۲۰۰۳)؛ یعنی از هر دو زوج که برای اولین بار ازدواج می‌کنند، یک زوج طلاق می‌گیرد که از مهمترین عوامل آن ناتوانی آنها در حل تعارض‌های زناشویی است. میزان طلاق در کشور ایران براساس آمارهای موجود در سالهای مختلف بین ۱۱ تا ۱۶ درصد در حال نوسان است و در کل حاکی از افزایش آن است (فرحبخش و همکاران، ۱۳۸۳). شواهد نشان می‌دهد که سطح بالای تعارض زناشویی با روابط اعضای خانواده ارتباط دارد (لیندزی و کلول، فرابوت و مک کینون لویس^۱، ۲۰۰۶). بر این اساس از بین عوامل مؤثر بر تعارضات زناشویی که به بروز طلاق منجر می‌گردد، می‌توان به عملکرد

ازدواج در همه جوامع، رسمی مهم تلقی می‌شود (مداتیل و بنشف^۱، ۲۰۰۸). همان‌طور که بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند، ارتباط زناشویی پیش‌بینی‌کننده قوی کیفیت زناشویی است (گاتمن^۲، ۱۹۹۹؛ مارکمن، ۱۹۸۹؛ اسکاپ^۳، ۱۹۸۶، به نقل از عبادت‌پور، ۱۳۷۹). هم درمانگران و هم زوجها عقیده دارند که شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست‌خورده مشکلات ارتباطی است (نظری، ۱۳۸۶؛ هالفورد^۴، ۱۳۸۷؛ روبرتز^۵، ۲۰۰۰؛ سوزان، کیت و راشل^۶، ۲۰۰۶). ماهیت ارتباط زناشویی سرچشمه عمده ناخشنودی و تعارضات زناشویی^۷ است (گلاسر^۸، ۱۳۸۷).

عدم توافق در هر رابطه زناشویی طبیعی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اگر زوجها بتوانند به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آنها را داشته باشند، وجود تعارض فراوان آسیب‌زا نیست (سیفرتز و شوارتز^۹، ۲۰۱۰). رابطه تعارض و رضایت زناشویی از پیشینه پژوهشی چندین ساله‌ای برخوردار است (کلیر، دوش و تایلر^۱، ۲۰۱۱). تعارضات زناشویی یکی از مشکلات شایع زوجها در دنیای امروز است (سایرز، کهن، فرسکو^{۱۱}، ۲۰۰۱). وجود تعارض در روابط انسان‌ها به‌ویژه زوجها امری شایع است (شفیعی‌نیا، ۱۳۸۱). تعارض زمانی به‌وجود می‌آید که زوجها به دلیل همکاری و تصمیمات مشترکی که می‌گیرند، درجات مختلفی از استقلال و همبستگی را نشان دهند. این تفاوت‌ها را می‌توان روی یک پیوستار از تعارض خفیف تا تعارض کامل طبقه‌بندی کرد (یانگ و لانگ^{۱۲}، ۱۹۹۸). از گلاسر (۲۰۰۰) تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف درخواست‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (شارف^{۱۳}، ۱۹۹۶؛ گلاسر، ۱۹۹۸؛ گلاسر، ۲۰۰۰؛ فرحبخش، شفیع‌آبادی، احمدی و دلاور، ۱۳۸۳). از دیدگاه سکستون^{۱۴} (۱۹۹۶)، به نقل از قربانی، (۱۳۸۴) تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، در حالی که همان

1. Madathil & Benshoff
3. Schaap
5. Roberts
7. marital conflict
9. Siffert & Schwarz
11. Sayers, Kohn & Fresco
13. Sharf
15. systemic therapists
17. Fincham & Beach
19. Weeks & Treet
21. Day

2. Gattman
4. Halford
6. Susan, Keith & Rachel
8. Glaser
10. Claire, Dush & Taylor
12. Yong & Long
14. Sexton
16. Rice
18. Grish
20. Krichler, Rodjer, Holzl & Meier

نقش‌های خانوادگی و همراهی عاطفی به وفور و به‌طور مکرر با طلاق در ارتباط است. در ایران پژوهش بهاری (۱۳۷۹) نشان داد که زوج‌های در حال طلاق در سازه‌های سه‌گانه کارایی خانواده، یعنی ابراز عواطف، نقش‌های خانوادگی و حل مشکلات، نسبت به زوج‌های عادی عملکرد ضعیف‌تری دارند. براساس پژوهش‌های بهاری و صابری (۱۳۸۳) بین عملکرد خانواده زوج‌های در حال طلاق و زوج‌های غیرمطلقه (عادی) تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنی که عملکرد خانوادگی زوج‌های در حال طلاق پایین‌تر از زوج‌های غیرمطلقه (عادی) است.

با توجه به اینکه خانواده و منظومه زن و شوهری به‌عنوان یک کل و نظام در نظر گرفته می‌شود، روابط همه اعضای آن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد و از هم تأثیر می‌پذیرد (کار،^۹ ۲۰۰۶، جعفری، صدری و فتحی اقدم، ۱۳۸۵)، بنابراین ضروری است که به بررسی چگونگی و نوع عملکرد در بروز تعارضات زناشویی که از مقدمات جدایی و طلاق است، پرداخته شود. علاوه بر آن طلاق و تعارضات زناشویی تنش‌زا هستند و ممکن است به افزایش استرس و کاهش بهزیستی منجر شوند (وندروالک، اسپروجت، گادی، میوس و ماس^۱، ۲۰۰۴). با توجه به تمهیدات یاد شده هدف این پژوهش بررسی رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق است. بر این اساس پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱- آیا بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد؟ ۲- مؤلفه‌های عملکرد خانواده؛ (حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) به چه میزان مؤلفه‌های تعارضات زناشویی (کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش ارتباط مؤثر، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان) را تبیین می‌کنند؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری؛ این پژوهش در چارچوب یک طرح از نوع توصیفی - همبستگی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را همه زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان ساری در سال ۱۳۸۸ تشکیل داده‌اند. زوج‌هایی که حداقل سه سال از زندگی مشترک آنها گذشته بود و در آستانه طلاق قرار داشتند. نمونه مورد نظر شامل ۱۰۰ زوج

خانواده اشاره کرد. در تعریف عملکرد خانواده گفته می‌شود که عملکرد خانواده، تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (ثنایی، ۱۳۷۹). عملکرد خانواده به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است. تغییرات کمی و کیفی در این فرایند باعث شکل‌گیری شخصیت متفاوت در خانواده می‌شود و در بیشتر موارد با وجود اینکه ممکن است پشتوانه‌ای برای سلامت رفتاری افراد باشد، مشکلات رفتاری خاصی را ایجاد می‌کند که به عوامل متعددی بستگی دارد (کدیور، اسلامی و فراهانی، ۱۳۸۳). عملکرد کل خانواده را می‌توان در ابعاد مختلفی نظیر حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی^۲، آمیزش^۳ عاطفی و کنترل رفتار بررسی کرد (ثنایی، ۱۳۷۹). در این زمینه پژوهش‌های متعددی بر نقش ساختار و عملکرد خانواده شامل حل مشکل و ابراز عواطف تأکید کرده‌اند (بهاری، ۱۳۷۹).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عملکرد خانواده در ایجاد تعارضات زناشویی مؤثر است همچنین شواهد نشان داده که کیفیت روابط خانوادگی در خانواده‌های طلاق و غیرطلاق متفاوت است، به‌طوری که در خانواده‌های طلاق تعارضات زناشویی بیشتری مشاهده شده است. این مشاهدات نشان می‌دهد که تعارضات زناشویی یکی از عوامل طلاق است (لیندزی، کلول، فرابوت و مک کینون لويس، ۲۰۰۶).

مطالعه ایشتاین، بالدین و بیشاب^۴ (۱۹۸۳) درباره عملکرد و کارایی خانواده نشان داده است که کارایی خانواده بیشتر به ویژگی‌های نظام خانواده، شیوه‌های سیستمی و الگوهای تبادل بین اعضای آن مربوط است و نه به ویژگی‌های درون - روانی اعضای خانواده. پژوهش نشان داده است که ساختار خانواده پیش‌بینی‌کننده اصلی عملکرد خانواده، رضایت زناشویی و عزت‌نفس پایین است (الکرناوی^۵، ۲۰۱۰). ماتیس و کینگ لیتی^۶ (۱۹۸۵) با بررسی ۷۳ زوج در حال طلاق دریافتند که شکست در رسیدن به راه‌حل، با عملکرد خانوادگی هرچ و مرج‌گونه به‌طور معناداری رابطه دارد. پورتس، هاوول و اشبرگر^۷ (۱۹۹۲) نیز دریافتند که نقش‌های خانوادگی، کنترل رفتار و مشارکت عاطفی بیشترین سهم را در تسهیل سازگاری اجتماعی دارند. همچنین ارکیستر و استیونسون^۸ (۱۹۹۱) در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای مقیاس‌های

1. Lindsey, Colwell, Frabutt & MacKinnon-Lewis
3. involvement
5. Al-Krenawi
7. Portes, Howell & Eichenberger
9. Car

2. emotional responsiveness
4. Epstein, Baldwin & Bishop
6. Mattis & King little
8. Arkister & Stevenson
10. Vandervalk, Spruijt, Goede, Meeus & Maas

بود که از بین ۱۲ مرکز مشاوره خصوصی و دولتی شهر ساری، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. لازم به توضیح است که به دلیل محدودیت مربوط به همکاری نکردن مسئولان، امکان به کارگیری روش‌های تصادفی برای انتخاب نمونه وجود نداشت.

ابزار سنجش

۱- پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱ (فرم تجدیدنظر شده) (R-MCQ): پرسشنامه تعارضات زناشویی یک ابزار ۵۴ سؤالی است که برای سنجیدن تعارضات زن و شوهری و بر مبنای تجربیات بالینی ثنایی (۱۳۷۹) ساخته شده است. این پرسشنامه هشت بُعد از تعارضات را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶، به‌دست آمد و ۸ خرده‌مقیاس آن از این قرار است: کاهش همکاری، ۰/۸۱؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۳۳؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۶؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۹؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱؛ و کاهش ارتباط مؤثر، ۰/۶۹. همچنین این پرسشنامه از روایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشد (ثنایی، ۱۳۷۹). دو نمونه از سؤالات این پرسشنامه: «هنگام دعوا با همسر، رابطه من با خانواده پدر و مادر او قطع می‌شود» و «من و همسر حساب‌های مالی جداگانه داریم». در این پژوهش همسانی درونی (به روش آلفای کرونباخ) برای کل مقیاس‌های این پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ به‌دست آمد و برای ۸ خرده‌مقیاس به صورت زیر بوده است: کاهش همکاری، ۰/۷۹؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶۹؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۲؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۵۶؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۷۸؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۰؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۰؛ و کاهش ارتباط مؤثر، ۰/۷۵.

۲- ابزار سنجش خانواده^۲: این پرسشنامه را اپشتاین، لارنس، بالدوین و بیشاب^۳ (۱۹۸۳)، به نقل از ثنایی، (۱۳۷۹) در ۶۰ سؤال تهیه کردند و هدف آن سنجیدن عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک‌مستر^۴ است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و شش بُعد از عملکرد خانواده شامل؛ حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار را مشخص می‌کند. بنابراین ابزار سنجش خانواده متناسب با این شش بُعد، از شش خرده‌مقیاس برای سنجیدن آنها، به علاوه یک خرده‌مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده تشکیل شده است. اعتبار: ابزار سنجش خانواده با ضرایب آلفای خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. ضرایب آلفای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی، در پژوهش امینی (۱۳۷۹) به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۳۸، ۰/۷۲، ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۶۱ و ۰/۸۱ گزارش شده است. روایی: اگر خرده‌مقیاس عملکرد کلی را از تجزیه و تحلیل‌ها خارج کنیم، شش خرده‌مقیاس دیگر این ابزار از استقلال نسبی برخوردارند. همچنین ابزار سنجش خانواده دارای روایی پیش‌بین و همزمان است (ثنایی، ۱۳۷۹). در این پژوهش همسانی درونی (به روش آلفای کرونباخ) برای کل مقیاس‌های این پرسشنامه برابر با ۰/۸۹ به‌دست آمد و برای خرده‌مقیاس‌ها به صورت زیر بوده است: حل مشکل، ۰/۸۷؛ ارتباط، ۰/۷۲؛ نقش‌ها، ۰/۷۵؛ همراهی عاطفی، ۰/۶۹؛ آمیزش عاطفی، ۰/۷۱؛ کنترل رفتار، ۰/۸۱؛ و عملکرد کلی، ۰/۷۷. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه به شرح زیر است: «وقتی یکی از اعضای خانواده ما ناراحت باشد، بقیه علت آن را می‌دانند».

روش اجرا و تحلیل

ابتدا پرسشنامه در بین آزمودنی‌ها اجرا و سپس نتایج با نرم‌افزار SAS محاسبه و با استفاده از روش مطالعه همبستگی (پیرسون^۵ و بنیادی^۶) تحلیل شد. در این پژوهش مجموعه متغیرهای ملاک را هشت متغیر (کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش ارتباط مؤثر، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان) و نیز مجموعه متغیرهای پیش‌بین را هفت متغیر (حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) تشکیل داده‌اند.

1. Marital Conflict Questionnaire (MCQ)
3. Epstein, Lawrence, Baldwin & Bishop
5. Pearson Correlation

2. Family Assessment Device (FAD)
4. McMaster Model
6. Canonical Correlation

جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
عملکردهای عملکرد	۱. عملکرد کلی	۳۲/۲۳	۷/۱۵															
	۲. حل مشکل	۱۳/۶۰	۳/۲۱	۰/۷۲**														
	۳. ارتباط	۱۵/۹۷	۲/۸۳	۰/۳۸**	۰/۲۹**													
	۴. نقش‌ها	۲/۸۴	۴/۰۵	۰/۶۸**	۰/۴۱**	۰/۳۲**												
	۵. همراهی عاطفی	۱۹/۲۳	۳/۸۲	۰/۷۳**	۰/۶۱**	۰/۲۸**	۰/۵۴**											
	۶. آمیزش عاطفی	۱۹/۶۸	۳/۴۷	۰/۵۸**	۰/۴۰**	۰/۳۷**	۰/۴۸**	۱/۵۲**										
	۷. کنترل رفتار	۲۲/۰۳	۴/۴۱	۰/۷۱**	۰/۵۵**	۰/۳۰**	۰/۶۸**	۰/۵۹**	۱/۵۶**									
موانع‌های عملکرد	۸. کاهش همکاری	۱۳/۶۵	۳/۷۸	-۰/۴۹**	-۰/۳۵**	-۰/۱۰	-۰/۴۱**	-۰/۴۲**	-۰/۳۹**	-۰/۴۷**								
	۹. کاهش رابطه جنسی	۱۱/۹۱	۳/۶۵	-۰/۴۹**	-۰/۴۱**	-۰/۱۵	-۰/۴۰**	-۰/۴۵**	-۰/۴۳**	-۰/۴۳**	۱/۵۶**							
	۱۰. افزایش واکنش‌ها هیجانی	۱۸/۰۸	۶/۲۱	-۰/۶۷**	-۰/۵۱**	-۰/۲۴*	-۰/۵۷**	-۰/۵۴**	-۰/۵۴**	-۰/۵۴**	۱/۶۲**	۱/۵۷**						
	۱۱. افزایش جلب حمایت فرزندان	۱۱/۱۶	۳/۴۰	-۰/۲۹**	-۰/۲۲*	-۰/۱۰	-۰/۱۸	-۰/۲۱**	-۰/۲۸**	-۰/۱۶	۰/۲۴*	۰/۳۶**	۰/۳۷**	۱				
	۱۲. افزایش رابطه با خویشاوندان خود	۱۵/۵۷	۵/۷۰	-۰/۵۴**	-۰/۵۰**	-۰/۱۷	-۰/۴۲**	-۰/۴۲**	-۰/۴۴**	-۰/۳۷**	۰/۵۶**	۰/۵۲**	۰/۶۹**	۰/۴۱**	۱			
	۱۳. کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر	۱۶/۳۶	۵/۶۰	-۰/۴۷**	-۰/۴۷**	-۰/۱۹*	-۰/۳۸**	-۰/۳۵**	-۰/۴۳**	-۰/۳۵**	۰/۴۳**	۰/۵۰**	۰/۶۸**	۰/۴۲**	۰/۷۷**	۱		
	۱۴. جدا کردن امور مالی	۱۸/۹۲	۴/۷۸	-۰/۳۵**	-۰/۳۲**	-۰/۱۰	-۰/۲۲*	-۰/۳۸**	-۰/۳۱**	-۰/۲۸**	۰/۴۲**	۰/۳۱**	۰/۴۶**	۰/۳۸**	۰/۵۰**	۰/۴۶**	۱	
۱۵. کاهش رابطه با خویشاوندان همسر	۲۶/۷۶	۶/۲۸	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۵	-۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۰۱	۱	

موانع‌های عملکرد

موانع‌های تعارضات زناشویی

$P < 0.01^{**}$ $P < 0.05^*$

یافته‌ها

قبل از تحلیل داده‌ها، پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس چندمتغیری، بررسی و نتایج چولگی و کشیدگی متغیرها نشان داد که توزیع نمرات آزمون‌ها عادی است.

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که چندین متغیر با همدیگر همبستگی معناداری دارند و همبستگی‌شان از ۰/۵۴- تا ۰/۷۷ متغیر است. هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش رابطه معناداری با متغیر کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان ندارند. بین متغیرهای پیش‌بین بجز متغیر ارتباط با جداکردن امور مالی، افزایش رابطه با خویشاوندان خود، کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی و افزایش جلب حمایت فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. در جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره بر روی مجموعه متغیرهای ملاک ارائه شده است. نتایج معنادار هر سه آماره نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های تعارض زناشویی رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/01$)، در نتیجه از تحلیل‌های چندمتغیره استفاده شد. برای بررسی و تبیین متغیرهای پیش‌بین و متغیرهای ملاک تحلیل پیشرفته آماری همبستگی بنیادی به‌کار گرفته شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. مجموعه متغیرهای ملاک را ۸ مقیاس (کاهش همکاری، کاهش رابطه

جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش ارتباط مؤثر، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان) و مجموعه متغیرهای پیش‌بین را ۷ مقیاس (عملکرد کلی، حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) تشکیل می‌دهند که در مجموع به ۷ متغیر پیش‌بین و ۸ متغیر ملاک منجر شد.

نتایج تحلیل همبستگی بنیادی برای زوج‌ها در جدول ۳ نشان می‌دهد که از هفت ریشه بنیادی، فقط اولین ریشه، لامبدای ویلکز (λ) مساوی ۰/۳۲۵ و $F = 2/13$ ($P \leq 0/01$) معنادار شد. مقدار همبستگی بنیادی و درصد تبیین بین مجموعه متغیرهای ملاک و پیش‌بین برای اولین بُعد ۰/۷۴ است که این مقدار نشان می‌دهد، ۵۵ درصد از واریانس متغیرهای ملاک را متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌کنند.

نتایج تحلیل همبستگی بنیادی در جدول ۴ و شکل ۱ ارائه شده است. ملاک ۰/۳۰ به‌عنوان نمره برش^۱ برای بارگذاری در نظر گرفته شد (تاباچنیک و فیدل^۱، ۲۰۰۱، به نقل از شیرعلی‌پور، ۱۳۸۸) و بارهای مؤلفه‌های بیش از ۰/۳۰ برای شناسایی روابط بین متغیرها بررسی شدند.

جدول ۲- خلاصه تحلیل واریانس چندمتغیره بر روی مجموعه متغیرهای ملاکی

آزمون‌های چندمتغیره	مقدار آماره	F	فرضیه df	خطا df	P
اثر پیلای	۰/۸۴۴۰	۱/۷۵	۵۶	۷۰۷	۰/۰۰۰
لانداوی ویلکز	۱/۵۷۰۸	۲/۶۱	۵۶	۶۵۳	۰/۰۰۰
اثر هتلینگ - لاوی	۰/۳۲۵۸	۲/۱۳	۵۶	۵۱۶	۰/۰۰۰

جدول ۳- جدول خلاصه ابعاد همبستگی بنیادی

ابعاد	مقدار همبستگی بنیادی	واریانس مشترک	لامبدای ویلکز	F	df1	df2	P
۱	۰/۷۴	۰/۵۵	۰/۳۲۵	۲/۱۳	۵۶	۵۱۶/۹۰	۰/۰۰۰
۲	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۷۲۸	۰/۷۵	۴۲	۴۵۳/۷۳	۰/۸۷۱
۳	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۸۴۱	۰/۵۷	۳۰	۳۹۰/۰۰	۰/۹۶۶
۴	۰/۲۴	۰/۰۶	۰/۹۱۴	۰/۴۴	۲۰	۳۲۵/۹۸	۰/۹۸۳
۵	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۹۷۴	۰/۲۱	۱۲	۲۶۲/۲۲	۰/۹۹۸
۶	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۹۹۰	۰/۱۶	۶	۲۰۰/۰۰	۰/۹۸۶
۷	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۹۹۹	۰/۰۲	۲	۱۰۱/۰۰	۰/۹۷۲

جدول ۴- نتایج بارها و ضرایب بنیادی مؤلفه‌های عملکرد خانواده و تعارض‌های زناشویی

بارهای بنیادی نخست		شاخص آماره	متغیرها
تعارض‌های زناشویی	عملکرد خانواده		
۰/۶۹	۰/۹۳	عملکرد کلی	متغیرهای فرزند زن
۰/۵۴	۰/۷۲	حل مشکل	
۰/۲۳	۰/۳۱	ارتباط	
۰/۵۶	۰/۷۶	نقش‌ها	
۰/۵۷	۰/۷۷	همراهی عاطفی	
۰/۵۷	۰/۷۷	آمیزش عاطفی	
۰/۵۶	۰/۷۵	کنترل رفتار	
-۰/۷۰	-۰/۵۲	کاهش همکاری	متغیرهای ملاک
-۰/۷۳	-۰/۵۷	کاهش رابطه جنسی	
-۰/۹۶	-۰/۷۱	افزایش واکنش‌های هیجانی	
-۰/۴۲	-۰/۳۱	افزایش جلب حمایت فرزندان	
-۰/۷۹	-۰/۵۹	افزایش رابطه با خویشاوندان خود	
-۰/۷۱	-۰/۵۳	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر	
-۰/۵۱	-۰/۳۸	جدا کردن امور مالی	
۰/۰۳	۰/۰۲	کاهش رابطه با خویشاوندان همسر	

فرزندان (۱۷٪ واریانس)، افزایش رابطه با خویشاوندان خود (۶۲٪ واریانس)، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان خود (۵۲٪ واریانس) و جدا کردن امور مالی (۲۶٪ واریانس) مشخص گردید. نتایج به دست آمده نشان داد که زوج‌هایی که تمایل دارند مشکلات خودشان را با هم حل کنند و با ارتباط مؤثر نقش‌هایی که به آنها محول شده خوب انجام می‌دهند و نیز از همراهی و آمیزش عاطفی بالایی برخوردارند و از طرفی بر رفتار خود مسلط هستند. این دسته از زوج‌ها، علاوه بر اینکه از نظر همکاری و رابطه جنسی بهتر عمل می‌کنند، از میزان واکنش‌های هیجانی آنها کاسته می‌شود و از جدا کردن امور مالی از یکدیگر پرهیز می‌کنند. به نظر می‌رسد ترکیبی از میزان متغیرهای عملکرد کلی، حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی و آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بالا در زوج‌ها موجب می‌شود که آنها در همکاری و رابطه جنسی بیش از حد و در جلب حمایت فرزندان و رابطه فردی با خویشاوندان خود تجدیدنظر کنند و واکنش‌های هیجانی خود را تعدیل کرده و در امور مالی با هم همکاری کنند. رابطه بارهای بنیادی هر مجموعه بر متغیرهای بنیادی همان مجموعه که در نمودار ۱ به تصویر کشیده شده، مؤید این مطلب است.

جدول ۴ بارهای بنیادی^۱ نخستین بُعد هر دو مجموعه از متغیرها را نشان می‌دهد. برای متغیرهای پیش‌بین اولین بُعد بنیادی به شدت تحت تأثیر عملکرد کلی (۰/۹۳) و حل مشکل (۰/۷۲)، ارتباط (۰/۳۱) و نقش (۰/۷۶)، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی (۰/۷۷) و کنترل رفتار (۰/۷۵) قرار گرفتند. برای متغیرهای ملاک اولین بُعد بنیادی به شدت تحت تأثیر، کاهش همکاری (۰/۷۰-)، کاهش رابطه جنسی (۰/۷۳-)، افزایش واکنش‌های هیجانی (۰/۹۶-)، افزایش جلب حمایت فرزندان (۰/۴۲-)، افزایش رابطه با خویشاوندان خود (۰/۷۹-)، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر (۰/۷۱-) و جدا کردن امور مالی (۰/۵۱-) بودند. همین‌طور یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد در الگوی همبستگی به دست آمده در این مرحله از تحلیل برای تغییرات پیش‌بین از طریق بارهای بنیادی مثبت، عملکرد کلی (۰/۹۶٪ واریانس)، حل مشکل (۰/۵۱٪ واریانس)، ارتباط (۰/۹۶٪ واریانس)، نقش‌ها (۰/۵۷٪ واریانس)، همراهی عاطفی و آمیزش عاطفی (۰/۵۹٪ واریانس) و کنترل رفتار (۰/۵۶٪ واریانس) و برای تغییرات ملاک به واسطه ضرایب منفی کاهش همکاری (۰/۴۹٪ واریانس)، کاهش رابطه جنسی (۰/۵۳٪ واریانس)، افزایش واکنش‌های هیجانی (۰/۹۲٪ واریانس)، افزایش جلب حمایت‌های

۱/۰۰	• همبستگی بنیادی	• عملکرد کلی • همراهی و آمیزش عاطفی • نقش‌ها • کنترل رفتار • حل مشکل • ارتباط	۱/۰۰
۰/۵			۰/۵
۰/۰۰			۰/۰۰
-۰/۵	• کاهش رابطه با خویشاوندان همسر • افزایش جلب حمایت فرزندان • جدا کردن امور مالی • کاهش همکاری • کاهش رابطه فردی • کاهش رابطه جنسی • افزایش رابطه با خویشاوندان • افزایش واکنش‌های هیجانی		-۰/۵
-۱/۰۰			-۱/۰۰

نمودار ۱- بارهای بنیادی عملکرد خانواده و تعارض زناشویی

خویشاوندان خود، کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی و افزایش جلب حمایت فرزندان) را متغیرهای پیش‌بین (حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) تبیین می‌کنند. به نظر می‌رسد ترکیبی از میزان متغیرهای عملکرد کلی، حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی و آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بالا در زوج‌ها موجب می‌شود که آنها همکاری و رابطه جنسی بهتری داشته باشند و در جلب حمایت فرزندان و رابطه فردی با خویشاوندان خود تجدیدنظر کنند و واکنش‌های هیجانی خود را تعدیل کرده و در امور مالی با هم همکاری کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های اپشتاین، بالدین و بیشاپ (۱۹۸۳)؛ ماتیس، کینگ لیتل (۱۹۸۵)؛ ارکسیتیر و استیونسون (۱۹۹۱)، پورتس، هاوول و اشنبرگر (۱۹۹۲)؛ بهاری (۱۳۷۹) و بهاری و صابری (۱۳۸۳) هماهنگ است. در تبیین احتمالی یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت عملکرد کارساز خانواده با توانایی اعضا در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده همراه است (کدیور و همکاران، ۱۳۸۳) از این رو می‌توان گفت که هر قدر زوج‌ها کارآمدتر عمل کنند، رابطه بهتر و منسجم‌تری را تجربه خواهند کرد که این امر خود تعارض‌های زناشویی را کم می‌کند. همچنین بنا به گفته یانگ و لانگ (۱۹۹۸) تعارض زمانی به وجود می‌آید که زوج‌ها به دلیل

با توجه به نمودار ۱ از متغیرهای پیش‌بین، عملکرد کلی و از متغیرهای ملاک افزایش واکنش‌های هیجانی (۰/۹۳) و بیشترین نقش را در ایجاد اولین همبستگی بنیادی داشته است. متغیر تعارض زناشویی حاصل ترکیب خطی کاهش رابطه با خویشاوندان همسر، افزایش جلب حمایت فرزندان، جدا کردن امور مالی، کاهش همکاری، کاهش رابطه فردی، کاهش رابطه جنسی، افزایش رابطه با خویشاوندان و افزایش واکنش‌های هیجانی به صورت منفی است. متغیر عملکرد خانواده نیز حاصل ترکیب خطی عملکرد کلی، همراهی و آمیزش عاطفی، نقش‌ها، کنترل رفتار، حل مشکل و ارتباط به صورت مثبت است که در بین این متغیرها عملکرد کلی سهم بیشتری در آن دارد.

بحث

این پژوهش با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های عملکرد خانواده شامل حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار در تعارض‌های زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق انجام شد. نتایج تحلیل همبستگی بنیادی برای زوج‌ها نشان داد که از ۷ ریشه بنیادی، فقط یک ریشه بنیادی از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. مقدار همبستگی بنیادی بین مجموعه متغیرهای ملاک و پیش‌بین برای اولین بعد ۰/۷۴ است که این مقدار نشان می‌دهد ۵۵ درصد از واریانس متغیرهای ملاک (جدا کردن امور مالی، افزایش رابطه با

هیچ مطالعه‌ای بدون محدودیت نیست. این پژوهش فقط به بررسی نقش مؤلفه‌های عملکرد خانواده شامل حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار در تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق پرداخته است. بنابراین نتایج فقط برای شناسایی تأثیر مؤلفه‌های عملکرد خانواده بر مؤلفه‌های تعارضات زناشویی اهمیت دارند. بنابراین انجام پژوهش‌هایی که در زمینه متغیرهای دیگری که تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهند، کاملاً مفید و راهگشا است. همچنین برای قضاوت دقیق‌تر درباره رابطه ابعاد عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق و همچنین تعمیم نتایج، انجام پژوهش‌های جامع‌تر در نمونه‌های گسترده‌تر در سایر جمعیت‌ها، پیشنهاد می‌شود.

تقدیر و تشکر

از زوج‌هایی که به‌عنوان آزمودنی در این پژوهش شرکت کردند و با همکاری صمیمانه آنها اجرای پژوهش امکان‌پذیر گردید، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

امینی، ف. (۱۳۷۹). مقایسه عملکرد خانواده در دانش‌آموزان مستقل و وابسته. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره*. دانشگاه تربیت معلم تهران.

بهراری، ف. (۱۳۷۹). ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوج‌های غیرطلاق و زوج‌های در حال طلاق مرجوعی به بخش روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی کشور. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره*. دانشگاه تربیت معلم تهران.

بهراری، ف. و صابری، م. (۱۳۸۳). مقایسه عملکرد خانوادگی زوج‌های در حال طلاق ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی و زوج‌های غیرمطلقه. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۱۰(۳۴)، ص ۷۹-۷۵.

ثناپی، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.

جعفری، ا. صدری، ج و فتحی‌اقدام، ق. (۱۳۸۵). رابطه بین کارایی خانواده و دینداری و سلامت روان و مقایسه آن بین دانشجویان دختر و پسر. *مجله تازه‌ها و پژوهش‌ها*، ۶(۲۲)، ص ۱۱۶-۱۰۷.

شفیعی‌نیا، اعظم. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل تعارضات زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر. *پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد مشاوره*، دانشگاه علامه طباطبائی.

شیرعلی‌پور، ا. (۱۳۸۸). نقش ذهنیت فلسفی، خلاقیت، خودپنداره و خودکارآمدی ریاضی بر پیشرفت ریاضی در شهرستان مرند. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت معلم تهران.

عبادت‌پور، ب. (۱۳۷۹). *هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۹-۱۳۷۸*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت معلم.

همکاری و تصمیمات مشترکی که می‌گیرند درجات مختلفی از استقلال و همبستگی را نشان می‌دهند. به میزانی که زوج‌ها در هر یک از ابعاد عملکرد خانواده شامل حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار موفق عمل کنند، از همبستگی بیشتری در نظام زن و شوهری برخوردار می‌شوند و به تبع آن از تعارضات زناشویی آنها به‌طور کلی و در هر یک از سازه‌های تعارضات زناشویی یعنی جدا کردن امور مالی، افزایش رابطه با خویشاوندان خود، کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی و افزایش جلب حمایت فرزندان کاسته می‌شود. در تبیین احتمالی دیگر از نتایج این پژوهش، می‌توان گفت که عملکرد خانواده نشان‌دهنده مهارت سازشی خانواده است که به تحول و ایفای آن منجر می‌گردد و ابعاد عملکرد خانواده نشان می‌دهد که وضعیت مطلوب خانواده از نظر رشدی، حل مسأله، ارتباط، نقش‌ها، واکنش‌های عاطفی و آمیزش عاطفی می‌باشد؛ برای همین خانواده‌هایی که دارای سطح مطلوبی از این ابعاد هستند، کارایی بالاتری دارند (جعفری، صدری و فتحی‌اقدام، ۱۳۸۵) و در این وضعیت از قدرت عناصر تعارض‌ساز خانواده کاسته می‌شود و زوج‌ها به جای تعارض به سمت تعاملات مثبت‌تر و کارسازتر حرکت می‌کنند. بنابراین کارآمد بودن زوج‌ها در هر یک از سازه‌های عملکرد خانواده ممکن است سپری در مقابل عوامل ایجادکننده تعارض در زوج‌ها باشد. بر این اساس نتایج پژوهش حاضر دور از انتظار نیست.

براساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان به دو دسته کاربرد نظری و عملی اشاره کرد. در سطح نظری، با توجه به اینکه پژوهشگران داخلی تاکنون به ارتباط عملکرد خانواده و تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق توجه نکرده‌اند، این پژوهش ممکن است توجه پژوهشگران داخلی را به این متغیرها جلب کند. در سطح عملی می‌توان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای زوج‌ها، ضمن روشن ساختن نقش عملکرد خانواده در تعارضات زناشویی، برای رفع مشکلات ناشی از عملکرد خانواده اقدام کرد. همچنین برای بهبود عملکرد خانواده می‌توان برنامه‌های آموزشی و درمانی را در مراکز مشاوره و روان‌شناسی برای زوج‌ها و خانواده‌ها اجرا کرد و ضمن تقویت ابعاد عملکرد خانواده، از بسیاری تعارضات زناشویی که به آسیب‌هایی مانند اختلافات زناشویی، خیانت، طلاق و... در روابط زناشویی منجر می‌شود پیشگیری کرد و از این طریق برای استحکام روابط زناشویی و همبستگی خانواده اقدام نمود. همچنین مشاوران خانواده و زوج‌درمانگران با برپایی نشست‌های تخصصی می‌توانند به ارائه راهکارهایی برای تقویت عملکرد خانواده دست یابند و آن راهکارها را برای مراجعانی که عملکرد ضعیف دارند، به‌کار گیرند.

- Glasser, W. (1998). Choice theory, a new psychology of personal freedom. *New York. Harper Collins Publisher.*
- Grish, J.H., & Fincham, F.D. (2001). Interpersonal Conflict and Child Development. Theory, Research and Application. *Cambridge University Press.*
- Krichler, F., Rodjer, C., Holzl, E., & Meier, K. (2001). Conflict and decision in close relationship, love, money and daily routine. *New York. Psychology Press.*
- Lindsey, E.W., Colwell, M.G., Frabutt, G.M., & MacKinnon-Lewis, C. (2006). Family conflict in divorced and non-divorced families: Potential consequences for boys' friendship status and friendship quality. *Journal of Social and Personal Relationships, 23*(1): 45-63.
- Mattis, D., & King Little, Y. (1985). Family functioning device. validity and reliability. *Journal of marital and family therapy, 11*(4): 345-356.
- Madathil, J., & Benschoff, J. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A Comparison of Asian Indians in Arranged Marriages and Americans in Marriages of Choice. *The Family Journal. online. The family journal. 3, 222-230.*
- Portes, P., Howell, S., & Eichenberger, S. (1992). Family function and children postdivorce adjustment. *Journal of orthopsychiatry, 62*(4): 613-617.
- Rice, L.P. (1996). Intimate relationship marriage and family. *California: Cole.*
- Roberts, L.J. (2000). Fire and ice marital communication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress: *Journal of marriage and family. 62, 633-707.*
- Sayers, S.L. Kohn, C.S., & Fresco, D.M. (2001). Marital Conflict and Depression in The Context of Marital Discord. *Cognitive Therapy and Research, 25* (6).
- Sharf, R. (1996). *Theories of Psychotherapy and Counseling Concept and Cases.* New York Book / Cole Publishing Company.
- Siffert, A., & Schwarz, B. (2010). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships. 28*(2) 262-277
- Susan, J.C., Keith, S.D., & Rachel, M. (2006). Marital Problem solving behavior in depression and marital distress, *Journal of abnormal psychology, 115*: 20-38.
- Yong, E.M., & Long, L. (1998). Counseling and Therapy for Couples. *New York. International Thomson Publishing Company.*
- Vandervalk, I., Spruijt, Ed., Goede, M.D., Meeus, W., & Maas, C. (2004). Marital Status, Marital Process, and Parental Resources in Predicting Adolescents' Emotional Adjustment: A Multilevel Analysis. *Journal of family issues, 25*(3): 291-317.
- Weeks, G.R. & Treat, S. (2001). *Couple in Treatment. Techniques & Approach for Effective Practice.* London. Bruner Routledge.
- فرحبخش، ک. شفیع‌آبادی، ع. احمدی، ا. و دلاور، ع. (۱۳۸۳). مقایسه میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی الیس، واقعیت درمانی گلاسر و اختلاطی از هر دو در کاهش تعارضات زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۵(۱۸)، ص ۵۷-۳۳.
- قربانی، ک. (۱۳۸۴). تأثیر زوج درمانی به شیوه درمان عقلائی - هیجانی رفتاری بر تعارضات و افکار غیرمنطقی زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- کدیور، پ. اسلامی، ع. و فراهانی، م. (۱۳۸۳). بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی. سال سی و چهارم، ۲: ص ۱۲۳-۹۷.
- گلاسر، و. (۱۹۹۸). نظریه انتخاب: روان‌شناسی نوین آزادی فردی، ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۷). چاپ اول. تهران: انتشارات رسا.
- نظری، ع. م. (۱۳۸۶). مبانی زوج‌درمانی و خانواده درمانی، چاپ اول. تهران: نشر علم.
- هالفورد، ک. (۲۰۰۱). زوج‌درمانی کوتاه‌مدت. ترجمه مصطفی تبریزی، مؤسسه کاردانی، فاطمه جعفری. (۱۳۸۷). چاپ دوم. تهران: انتشارات فراوان.
- هومن، ح. (۱۳۸۰). تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری، ویراست اول. تهران: انتشارات پارسا.
- Al-Krenawi, A. (2010). A study of psychological symptoms, family function, marital and life satisfactions of polygamous and monogamous women: The Palestinian case. *International. Journal of Social Psychiatry 58*(1)79-86.
- Arkister, J., & Stevenson, H. (1991). Identifying family at risk: Exploring the MC Master family assessment device. *Journal of family therapy, 13*(4), 411-421.
- Car, A. (2006). Family therapy: concepts, process and practice. *New York: John Wiley.*
- Claire M. Kamp Dush & Miles G. Taylor. (2011). Trajectories of Marital Conflict Across the Life Course: Predictors and Interactions With Marital Happiness Trajectories. *Journal of Family Issues 33*(3)341- 368.
- Day, R. (2003). *Introduction to Family processes.* London, Lawerne Erlboun Association. Inc. Publisher.
- Fincham, F.D. (2003). Marital Conflict: Correlates, Structure, and Context, *Current Directions in Psychological Science, 12*(1): 23-26.
- Epestein, N.B., Baldwin, L.M., & Bishop, D.S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy, 9*: 171-180.
- Fincham, F., & Beach, S. (1999). Conflict in marriage: implications for working with couples. *Annual Review psychology, 50*: 47-77.
- Glasser, W. (2000). Counseling With Choice Theory a New Reality Therapy. *New York. Harper Collins Publisher.*